

یادداشت

پلیس بدی که نقشش را تغییر داد

● «ایران» و «آمریکا» تنها کشورهایی بودند که در مذاکرات هسته‌ای نامشان به‌کرات به گوش می‌خورد اما گاهی اوقات هم تنوعی در این میان ایجاد می‌شد. کشور فرانسه همان کشوری است که به‌خاطر مواضع سخت و عجیب وزیر امورخارجه‌اش در کوران مذاکرات نامش برای تنوع به گوش می‌رسید. یک بار هم این نام پایش را از تنوع فراتر گذاشت و مانع دستیابی به توافق جامع شد. تا قبل از مذاکرات «لوران فابیوس» نام شناخته‌شده‌ای نبود اما در نتیجه مذاکرات و اعلام مواضع نام و چهره او کمی تا قسمتی در ایران و جهان برجسته شد.
آبان‌ماه سال ۱۳۹۲ مذاکراتی در ژنو صورت گرفت و با دعوت از وزرای امورخارجه این امید را ایجاد کرد که ممکن است توافق به دست بیاید. اما به‌محض ورود وزیر امورخارجه فرانسه تمامی این امیدها از بین رفت.
آنهایی که دنبال چربی ماجرا بودند، سعی می‌کردند نقش ایران را در این اتفاق بررسی کنند اما در نهایت تعجب انگشت اتهام به سمت «لوران فابیوس» وزیر امورخارجه فرانسه گرفته شد. او کمی بعد در مصاحبه‌ای که با رادیو فرانسه انجام داد گفت: «بله… مواضع فرانسه در این مورد سخت است چراکه نمی‌خواهیم بخشی از یک بازی احمقانه باشیم».اما اینکه چرا چنین بحث‌هایی از نظر فرانسه احمقانه به نظر می‌رسید باعث شد دلایل زیادی برای آن پیدا شود. همان زمان روزنامه «لوموند» در مقاله‌ای نوشت که فرانسه به‌دنبال یک توافق محکم است؛ از این‌رو موضع سرسخت او موجب شده تا «متامیز» به نظر برسد. این مقاله به‌تقل از یکی از دیپلمات‌های فرانسه نوشت فابیوس به‌محض رسیدن به ژنو متن توافق را «یک زلزله علیه جبهه غربی‌ها» دانست و آشکارا با آن مخالفت کرد. به عقیده نویسنده دلیل این مخالفت تنها یک چیز است. فرانسه معیار مذاکرات هسته‌ای با ایران است و سعی می‌کند از این طریق نقش پررنگ گذشته خود را دوباره احیا کند.
داسان این مذاکرات به سال ۲۰۰۳ برمی‌گردد. مثلت آلمان، فرانسه و انگلیس مورداستقبال تهران قرار گرفت اما روی‌کارآمدن نیکلا سارکوزی اهداف این مثلث را نقش‌برآب کرد. سرسختی فرانسه دوران سارکوزی در قبال مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران موجب شد تا چندین قدم از آمریکا در ضربه‌زدن به ایران جلو بیفتد. سال ۲۰۱۱ این کشور اعلام کرد تحریم‌ها علیه صادرات نفت ایران را اجرا خواهد کرد و بلافاصله پس از آن بخشی از دارایی‌های بانک مرکزی را مصادره کرد. با ورود به سال ۲۰۱۳ اتفاقات زیادی در زمینه مذاکرات هسته‌ای به وقوع پیوست اما فرانسه به‌سختی حاضر شد این موضوع را قبول کند و همچنین اسب خود را می‌راند. همین‌ها باعث شد تا فرانسه در به‌دست‌آوردن نقش پررنگ خود در مذاکرات بر اساس برنامه فرهنگ راهبردی فرانسه» امید دوباره ببندد.

در جست‌وجوی متحد

موضع فرانسه ناگهان سران این کشور را در میان جمهوری‌خواهان آمریکایی محبوب کرد. با برهم خوردن مذاکرات، سناتور جان مک‌کین در توییت‌ش نوشت: «فرانسه برای جلوگیری از توافق بد با ایران انگیزه دارد. زنده‌باد فرانسه». همین چند کلمه کافی بود تا فابیوس قوت قلب لازم را برای پیش‌کشیدن فرانسه به‌سختی حاضر شد این موضوع را قبول کند و همچنین اسب خود را می‌راند. همین‌ها باعث شد تا فرانسه در به‌دست‌آوردن نقش پررنگ خود در مذاکرات بر اساس برنامه فرهنگ راهبردی فرانسه» امید دوباره ببندد.

موسم وزیدن بادهای تغییر

تا اینکه ورق برگشت و اتفاقات زیادی به وقوع پیوست و مواضع سخت وزیر امورخارجه فرانسه در قبال ایران نرم شد. شکست حزب سوسیالیست در انتخابات شهرداری و پارلمان اروپا و کاهش محبوبیت «فرانسوا اولاند» باعث شد تا فرانسه دیپلماسی بلندمدتش را تغییر بدهد. هم‌زمان خبرگزاری فرانسه در گزارشی با انتقاد از موضع فابیوس در مذاکرات نوشت: «وجهه فرانسه نزد ایرانیان خدشه‌دار شده و به نظر می‌رسد فابیوس قصد دارد نقش پلیس بد را در این مذاکرات بازی کند».هم‌زمان سفیر ایران در فرانسه در مصاحبه‌ای اعلام کرد که در فرصت‌های دیپلماتیک همیشه باز نمی‌ماند و باید مراقب بود. این‌بار دورنمای توافق دست‌یافتنی‌تر شده بود و همین‌ها باعث شد تا بازار بر سیاست چرچرد و فرانسه برای عقب‌نماندن از قافله نقش دیگری را برعهده بگیرد. تا جایی که در آخرین دور مذاکرات، فابیوس برخلاف رویه قبل حرف مهمی برای گفتن به خبرنگاران نداشت و موضوعش نرم‌تر شده بود. او‌که از مواضع قبلی خود در مذاکرات به خوبی آگاه بود در این‌باره گفت: «رست است که در مذاکرات هسته‌ای، فرانسه موضعی سخت اتخاذ کرد، اما در دوران بعد از تحریم‌ها، فرانسه مودت‌بیه (تهران) قرار نخواهد گرفت، چراکه ما در گذشته حضوری مهم در این کشور داشته‌ایم. حضور ما در بسیاری از زمینه‌ها عالی بود و ایرانیان نیز مردمی جدی هستند».

شیدا ملکی: روز ۲۰ آگوست ۱۹۴۶ شهر پاریس شاهد تولد شخصی بود که در سال‌های آینده تاریخ سیاسی این کشور را خیلی آرام اما اساسی تغییر داد. لوران فابیوس، فرزند یک فروشنده اشیای آنتیک در فرانسه بود که مدارج بالای سیاست را سریع طی کرد.

اکثر قریب‌به‌اتفاق سران دست‌راستی و چپی فرانسه دست‌پرورده نخبگان پارisi هستند. لوران نیز از این قاعده مستثنا نبود و برای آرام‌کردن حس جاه‌طلبی‌اش از مؤسساتی فارغ‌التحصیل شد که رهبران آینده را پرورش می‌دهند. همانند دیگر سیاست‌مداران فرانسوی که قرار است در آینده از خودشان جنم‌وجدیت فراوانی نشان دهند، او نیز کارش را به‌عنوان کارمند دولت در همکاری تنگاتنگ با شورای دولتی آغاز کرد. درحال‌حاضر او از لحاظ فنی در‌حال‌گذراندن دوران مرخصی خود از شورای ملی است و به‌محض پایان‌یافتن وزارتش می‌تواند به این محل برای خدمت بازگردد.

فابیوس هنوز مراحل ابتدایی زندگی خود در شورای دولتی را نگذرانده بود که ارتباطات نزدیکی با «فرانسوا میتران»، رهبر حزب سوسیالیست و هم‌راهان او آغاز کرد. سال ۱۹۷۴ رسماًعضو جدید حزب شد. این عضویت تحت‌رهبری میتران سرآغاز به‌دست‌آوردن موفقیت‌هایی بود که سرعشش گاهی برای فابیوس دردرسر ایجاد می‌کرد. او استعداد ویژه‌ای در برقراری روابط نزدیک با افراد داشت. در اواخر دهه ۷۰ نقش مشاور شخصی میتران و سخگوی سیاست‌مدار ارشد حزب سوسیالیست را برعهده گرفت و به‌خوبی از عهده اجرای آن برآمد. این اجرای خوب با فعالیت در کمیته راهبری حزب سوسیالیست در سال ۱۹۷۷ و هماهنگی در کمیته انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس سال ۱۹۸۱ به نقطه اوج رسید. تا جایی که باعث شد میتران کرسی ریاست‌جمهوری را به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور سوسیالیست در جمهوری پنجم فرانسه به دست آورد.

او هم‌زمان با خدمات انتخاباتی از رشد خود به‌عنوان یک سیاست‌مدار غافل نبود. در سال‌های ۷۷ تا ۸۱ سمت معاون شهردار شهر «کویولی» شهری در حوزه زمانی را به‌دست آورد. سال ۱۹۸۱ عنوان نماینده وارد پارلمان شد اما نخستین بر صندلی پارلمان برای او چندان طولانی نبود چراکه بنا بر قوانین فرانسه او باید به‌عنوان وزیر در کابینه اول «پیر موری» استعفاي خودش را تقدیم مجلس می‌کرد. سال ۱۹۸۱ ستاره شهرت فابیوس به‌عنوان جوان‌ترین فرد کابینه با ۳۵ سال سن در آسمان سیاست فرانسه درخشید و کارهای او در بخش اقتصاد این درخشش را بیشتر کرد.

در میانه سال‌های ۱۹۸۱ تا ۸۳ از خدمتش را به‌عنوان وزیر بودجه و برنامه‌ریزی به‌خوبی انجام داد و بعدها با خدمت به‌عنوان وزیر صنایع و تحقیقات با چالش‌های بیشتری روبه‌رو شد. در هر دو سمت مشکل اصلی او احیای اقتصاد صنعتی عقب‌مانده و نظارت بر یک تغییر استراتژیک یعنی تبدیل‌شدن از یک صنعت کوچک به صنعتی متکی بر تکنولوژی بالا بود. این کار در اصل یک مشکل بزرگ بود که با سوطن‌رای‌دهندگان نیز همراه شده بود. سران کشور به‌دنبال آن بودند تا صنایع را به صنعتی رقابت‌پذیر در اروپا و سپس در دنیا تبدیل کنند و در مقابل روی خوشی به فعالیت‌های اتحادیه کارگری که از شرایط موجود ناراضی بودند، نشان نمی‌دادند.

زمانی که حضور او در سمتش رسمی شد؛ حزب سوسیالیست، بانک فرانسه و برخی مؤسسات دیگر را با هدف کمکوس‌کردن رکود اقتصادی، ملی اعلام

فعالیت سریع سیاسی فابیوس از نقطه صفر شروع شد

سال‌های توفانی آقای سیاست‌مدار



کرد اما همین کار مشکلات و عوارض جانبی دربر داشت که ترکش‌های آن در سال ۱۹۸۳ برای وزیر جوان رو شد. رکود اقتصادی و مشکلات با اتحادیه کارگری پایه‌یای فعالیت‌های لوران فابیوس جلو می‌آمدند. اما میتران همچنان مصر بود که فابیوس تنها کسی است که می‌تواند با مهارت‌های اقتصادی و سیاسی و تحت‌رهبری حزب سوسیالیست مشکلات را رفته‌رفته حل کند. ازاین‌رو تصمیم گرفت در تاریخ ۱۷ جولای ۱۹۸۴ او را جایگزین نخست‌وزیر موری کند.

سال‌های سرِ نخست‌وزیری

فابیوس نیز تنها دو سال به‌عنوان نخست‌وزیر به حزب و مرمش خدمت کرد. یکی از تصمیمات بحث‌برانگیز او در سال ۱۹۸۵ مذاکره با شرکت والـت دیزنی برای ساخت پارکی در پاریس بود که سرسودی زیادی در فرانسه به راه انداخت. افکارعمومی به‌شدت علیه این تصمیم واکنش

نشان داد و به چهره خدمات خالصانه او در این سال‌ها ضربه جبران‌نشدی وارد کرد.

از آن پس قدم‌های تند و تصمیمات جسورانه وزیر جوان با تدبیرهای بیشتری همراه شد چراکه خدمت‌کردن به‌عنوان رئیس مجمع ملی فرانسه در سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ او را مجاب کرد که نباید سریع و خشن برخورد کرد. در آن سال‌ها حزب سوسیالیست دیگر درخشندگی قبل را نداشت و میتران بارها ابراز امیدواری کرد فابیوس بار دیگر فعالیت‌هایش را در حزب بیشتر کند چراکه او می‌توانست جانشین مورعلاقه آقای رئیس‌جمهور باشد.

سوغات شوم فرانسه

اما لغزندگی در سپهر سیاست فرانسه سابقه‌ای به درازای تاریخ دارد و عاقبت دامن هر سیاست‌مدار جاه‌طلبی را می‌گیرد. فابیوس نیز از این قاعده مستثنا نبود. در سال‌های ۱۹۹۰ رسوایی بزرگ فابیوس که همانند بختک او را تا سال‌های بعد همراهی کرد، اتفاق افتاد. در این رسوایی بزرگ مشخص شد در سال ۱۹۸۵ خون‌هایی که از سوی وزارت بهداشت فرانسه به افراد مبتلا به هموفیلی تزریق شده بود، آلوده به ویروس HIV بود. این رسوایی بزرگ به حساب تولیدکنندگان خون که از زیرمجموعه‌های دولت بودند، نوشته شد. در آن زمان سؤال بزرگ این بود که چرا اقدامات احتیاطی برای پیشگیری از این اتفاق

جهان

فعالیت سریع سیاسی فابیوس از نقطه صفر شروع شد

سال‌های توفانی آقای سیاست‌مدار

مافارت» دستگیر شدند. آن دو در ابتدا هر اتهامی را انکار کردند اما پس از ضبط پاسپورت‌های سوبیسی و مشخص‌شدن سابقه فرانسوی و ارتباط نزدیک آنها با دولت فرانسه مجبور به اعتراف شدند.

دولت فرانسه در آن زمان سعی داشت تا این خرابکاری را یک اتفاق بنامد اما پس از دستگیری دو مأمور حقیقت‌های ناخوشایندی آشکار شد. این دو مأمور برای ایجاد عمدی آتش‌سوزی در کشتی، خرابکاری و قتل متهم شدند اما بعدها در جلسات دادگاه درخواست دادند که تنها برای اتهام قتل عمد محاکمه شوند و دست آخر تنها ۱۰ سال زندان نصیشان شد.

این تحرکات چیزی نبود که دولت بخواهد آن را نادیده بگیرد. عاقبت در ۲۲ سپتامبر همان سال فابیوس از خیزنگاران برای شرکت در یک نشست مطبوعاتی دعوت کرد که نتیجه‌اش حیرت‌انگیز بود. او در این نشست بیانیه‌ای ۲۰۰ کلمه‌ای خواند و اعلام کرد: «حقیقت تلخ این است که عوامل سرورس مخفی اطلاعاتی فرانسه در این عملیات دست داشتند. آنها از دستورات پیروی کردند». بلافاصله پس از این اظهارنظر بود که نتیجه‌اش وزیر دفاع فرانسه اعلام استعفا کرد.

سال‌های پختگی سیاسی

با پایان کار میتران سال‌های سخت نخست‌وزیری فابیوس نیز به پایان رسید. او برای ماندن در صحنه سیاسی کشورش تلاش کرد اما هرگز نتوانست همان موفقیت‌های سریع دوران جوانی را تجربه کند. در دهه ۹۰ بیشتر تلاش او صرف کسب مقامات بالا در حزب سوسیالیست شد اما در سال ۱۹۹۳ با درهم‌شدن شرایط حزب مجبور به استعفا شد. عاقبت در سال ۱۹۹۷ توانست کرسی ریاست مجلس را که برایش تلاش زیادی کرده بود، به دست بیاورد. در میانه سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ نیز سکنداری وزارت اقتصاد و دارایی کابینه «لیونل ژوسپین» را عهده‌دار شد. پس از بازنشستگی ژوسپین بسیاری گمان می‌کردند که او باز هم برای فعالیت در حزب تلاش خواهد کرد اما برخلاف انتظار اعلام کرد ذهنش در طول این سال‌ها تغییر کرده و از این پس در جناح چپ حزب فعالیت خواهد کرد.

در می ۲۰۰۷ او، وزیر امور خارجه کابینه «ژان مارک آبرو» در دولت فرانسوا اولاند شد و از آن زمان تاکنون این سمت را بر عهده دارد. اما در این سال‌ها نیز بروز برخی اخبار از زندگی شخصی آقای وزیر باعث شد تا بار دیگر در سرخط خبرها قرار بگیرد. فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه قبل از روی کار آمدن اعلام کرد که «دل‌خوشی از ثروتمندان ندارم». او این حرف را زد تا بتواند لایحه مالیات بر درآمدی که شامل قشر کثیری از ثروتمندان می‌شد، تصویب کند. همان زمان مجله اکونومیست در گزارشی با اشاره به مبهم‌بودن درآمد‌ها، بر وزرای کابینه تمرکز کرد و نوک پیکانش را به سمت وزیر رموز امورخارجه یعنی فابیوس گرفت. نویسنده مقاله اعلام کرد فابیوس توانسته ۷۰۹ میلیون دلار دارایی جمع کند. علاوه بر اینها، او صاحب یک خانه در پاریس به ارزش دو میلیون دلار و چند خانه دیگر در نرماندی و آریج است.

با محاسبه دارایی‌های او مشخص شد که او در سال هزاران دلار بیشتر از چیزی که باید، ثروت ذخیره می‌کند و همین دستاویزی شد تا مجوبیت وزیر امورخارجه بار دیگر در فرانسه به چالش کشیده شود. بااین‌حال سال‌های سخت کار در صحنه‌های سیاست ثابت کرد که کوله‌بار تجربه او بیشتر از این است که بخواهد با چنین خبرهایی دست‌ودش لرزد.

نگاه

به‌خرج فرانسه

به‌نفع صهیونیست‌ها

● «ژنرال دوگل» قهرمان ملی فرانسه در جنگ جهانی دوم تنها یک اظهارنظر درباره یهودیان کشورش داشت و آن اینکه «در فرانسه یک گروه فشار قدرتمند طرفدار اسرائیل وجود دارد که مشخصاً نفوذ خود را در محافل اطلاعاتی اعمال می‌کند». او در انتخابات پس از این سخنرانی با وجود محبوبیت رای نیاورد و شانس خودش را برای ماندن در صحنه سیاست فرانسه برای همیشه از دست داد. «بانک روجیلد» مرکز تغذیه یهودیان فرانسه است که بودجه «اتحادیه بین‌المللی علیه نژادپرستی و یهودستیزی» را تأمین می‌کند. برخی معتقدند که «لوران فابیوس» جوان با حمایت از همین بانک توانست در مدت‌زمانی کوتاه به سمت‌های بالای سیاسی دست پیدا کند. این مسئله با تصویب قانونی که لایحه‌اش از سوی فابیوس به مجلس ارائه شده بود به حقیقت، نزدیک‌تر شد. این قانون می‌گوید: «کسانی که در وجود یک یا چند جنایت علیه بشریت چو ن و چرا کنند (تشکیک کنند) با مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در بند ششم ماده ۲۴ قانون مجازات فرانسه روبه‌رو خواهند شد». براساس این قانون اگر کسی درباره وجود اتاق‌های گاز و آمار جعلی کشتار شش میلیون یهودی در جنگ جهانی دوم سؤالی مطرح کند، از یک ماه تا یک سال به زندان محکوم می‌شود و باید جریمه نقدی پرداخت کند و همچنین کار خود را نیز از دست می‌دهد. با درنظرگفتن این وقایع و به‌دنبال آن با انداختن نگاهی کوتاه به زندگی خانوادگی فابیوس شاید تلاش برای تأمین منافع افرادی خاص در کشور فرانسه از سوی او بیراه به‌نظر نرسد.

پسر خلف جامعه‌خویش

والدین «لولو» (مصرف‌لوران) از یهودیان اشکنازی بودند. اشکنازی‌ها گروهی از یهودیان هستند که اصالتاً به اروپای شرقی و مرکزی تعلق دارند و بین ۸۰ تا ۹۰ درصد جمعیت یهودیان امروزی را تشکیل می‌دهند. کتاب «جامعه یهودی فرانسه: عصر جدید» که درباره تغییرات جوامع و امکان فعالیت یهودی‌ها در موقعیت‌های مختلف است، بخشی مجزا درباره این وزیر رموز فرانسوی دارد که می‌گوید: «در جامعه امروز فرانسه یهودی‌ها این امکان را دارند که چه در زمینه صنعت و چه در زمینه سیاست سابقه یهودیت خود را پنهان نکرده و براساس آن هم پیشرفت کنند». «یر دافو» و «ریموند روی» دو مدیر یهودی شرکت رنو ازجمله مواردی هستند که نویسنده در زمینه تجارت به آنها اشاره می‌کند. در ادامه کتاب، از «لوران فابیوس» به‌عنوان یک نمونه موفق در زمینه



سیاست یاد می‌کند. فابیوس پس از آنکه وارد دایره کابینه «فرانسوا میتران» شد، در مصاحبه با روزنامه یهودی در فرانسه اعلام کرد که خانواده او پس از جنگ دینشان را تغییر دادند و کاتولیک شدند. او در مصاحبه خود گفت: «در زندگی روزانه من به‌عنوان یک یهودی پدیده‌ای نشده بودم که در همان زمان برای خودش یک عیب و اشکال به حساب می‌آمد. بنابراین من نه‌تتها در آغوش این عیب، که موجب سرنش می‌شد، بزرگ شدم بلکه فراتر از آن بعدها به آن اعتراف هم کردم».والدین ثروتمند لوران با تغییر دین به‌دنبال آن بودند تا فرزندشان از یک تربیت خوب فرانسوی برخوردار شود، بااین‌حال قدم‌های بعدی او در زندگی نشان داد که اهدافش چیز دیگری است. او قدم اولش را در ازدواج با یک یهودی محکم کرد تا برای برداشتن قدم‌های بعدی مشکلی نداشته باشد. جفری آدامز در کتاب «اتحاد سیاسی» درباره گذشته او می‌نویسد: «برخورد کاتولیکی میان میتران و وزیرایش در سال‌های ۱۹۸۰ بیشتر میان او و نخست‌وزیرش یعنی لوران فابیوس اتفاق افتاد. فابیوس در یک خانواده یهودی متولد شد. والدین او در آن زمان فهمیدند که فرزندشان باید در یک جامعه کاتولیک بزرگ شود از این‌رو تغییر مذهب دادند. اولین مراسم آیین عشاء ربانی فابیوس کوچک در کلیسای شناخته‌شده ای انجام شد. او اگرچه در زندگی شخصی‌اش کمتر به ریشه‌های یهودی‌اش اشاره می‌کند، بااین‌حال از سوی نزدیکان فرانسوی‌اش همواره به‌عنوان یک یهودی شناخته می‌شود. ازدواج او در سال ۱۹۸۰ با «فرانسواز کاسترو»، که تازه یهودی‌شده، افکار عمومی فرانسه را که شناخت کمی از او و گذشته‌اش داشتند، درباره نژاد و هویت دینی سردرگم کرد. همین موضوع آسیب‌پذیری او در کابینه را نسبت به حملات ضدیهودی بیشتر کرد.» او بارها از این ناحیه ضربه خورد اما همواره به راه خویش می‌رفت. در مذاکرات هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ نیز آشکارا سنگ منافع رژیم صهیونیستی را به سینه می‌زد. در طول مذاکرات بارها به سرزشت‌های اشغالی سفر کرد و به نخست‌وزیر نتانیاهو این قوت قلب را داد که هرگز نگذار توافق بدی که امنیت را برهم بزند امضا شود. نتانیاهو نیز بارها عنوان کرد «ما مصرانه از فرانسه می‌خواهیم که قویا ایستادگی کند و مانع از توافق بد شود».

در گفت‌وگوی «شرق» با مهدی مطهرنیا مطرح شد:

فابیوس؛ رسوایی‌هایی که کمرنگ شده‌اند

اندیشه‌ها در آنجا به‌طور مشهودی مشاهده می‌شود تا بتوان این‌طور گفت که فرصت‌طلبی و موقعیت‌شناسی را به خوبی بد است.

۴.بایین حال، افکار عمومی ذهنیتی منفی به فابیوس دارند.
خبآی، یکی، دو مسئله به‌درستی باعث شده است تا فابیوس به‌عنوان شخصیتی خطاکار شناخته شود. رسوایی خون‌های آلوده که در دهه ۸۰ به وجود آمد و در دوران او بخشی از آن به کشورهای ازجمله ایران صادر شد. اکنون نیز مخالفان رابطه ایران و فرانسه، این مسئله را بهانه می‌کنند. اما این موضوع برای فابیوس بسیار گران تمام شد. انفجاری که در زمان نخست‌وزیری‌اش رخ داد و فابیوس از اجرای عملیات آزمایشی، اعلام بی‌اطی‌العی کرد هم برای وجهه او هزینه‌های زیادی در پی داشت.

۴.او توانسته نگاه عمومی به خودش را کمی تلطیف کند؟

تا حدودی بله. اکنون می‌توانیم بگوییم فابیوس با توجه به سابقه‌ای که دارد، تلاش می‌کند تا از طریق خلافت‌ها و سخت‌کوشی‌های خود در سمت مسئول دیپلماسی فرانسه، ذهنیت‌ها را تغییر دهد.

می‌گرفت. او تلاش داشت زمینه‌های ائتلاف انرژی رقیب را فراهم کند تا بلکه از خستگی اش، استفاده کرده و امتیاز لازم را از آن خود کند.

۴.تغییر رفتار فابیوس در وین نسبت به آنچه در ژنو مشاهده شد، براساس همین موضع بود؟
دقیقا. فابیوس در ژنو هم با ایران بحث‌های زیادی داشت و هم با اعضای ۵+۱ وارد مجادلات جدی شد تا از این طریق بتواند زمینه‌های گرفتن امتیاز به نفع کشورش را فراهم کند. این چهره به‌عنوان یکی از اعضای حزب سوسیالیست فرانسه که هم تجربه وزارت دارد و هم پارلمان‌نشین را در کارنامه‌اش می‌بینید، در این زمینه شهره است و در فضای دیپلماتیک به‌عنوان «فرصت‌طلب سیاسی» شناخته می‌شود.

۴.درصفت‌هایی که جوان‌ترین نخست‌وزیر تاریخ کشور چون فرانسه است.

او با همین خصیصه و ارزایی دقیق شرایط و نکته‌سنجی توانست در دولت فرانسوا میتران به‌عنوان جوان‌ترین نخست‌وزیر فرانسه انتخاب شود.

آن‌هم در فرانسه‌ای که اتفاقاً تقابل آرا و